

261-192

192

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 261

Date of filing: 24 oct 88

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of Mr AUSARI
- Date 19 OCT 88
_____ pages in English 12 pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

بنام خدا

192

پرونده شماره ۲۶۱

شعبه ۳

حکم شماره ۳-۲۶۱-۳۷۷

آوگو کورپوریشن،

خواهان

- و -

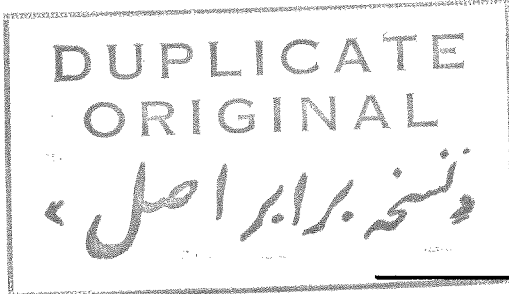
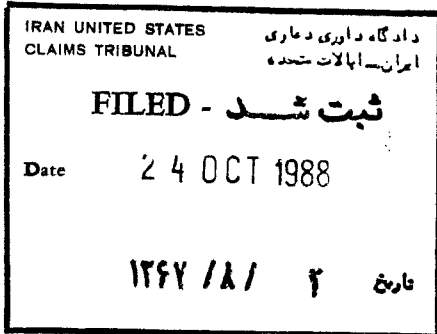
شرکت صنایع هواپیمائی ایران،

شرکت پشتیبانی و نوسازی هلی کوپترهای ایران،

شرکت ملی نفت ایران و

جمهوری اسلامی ایران،

خواندگان



نظر جداگانه قاضی پرویز انصاری

مقدمه

با رای صادر در پرونده حاضر بطور کلی موافقم. این موافقت بر یکی از دو مبنی استوار است: یکی آنکه قسمت هائی از رای را درست و منطبق با موازین می دانم. دیگری آنکه بمنظور تشکیل اکثریت با بخش های دیگر موافقت می کنم لیکن نظر جداگانه خود را بشرح منعکس در

صفحات بعد ابراز می دارم. پیش از بیان مطالب، یادآوری یک نکته را لازم می دانم: جلسه استماع مقدماتی این پرونده بدون حضور اینجانب و در غیاب خواندگان بتاريخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۴ (۱۷ مه ۱۹۸۵) برگزار گردید. در جلسه مزبور، بشرح منعکس در صورتمجلس، مباحثی در خصوص نحوه ارائه صورتحسابها و یا گزارش حسابرسی که جانشین صورتحسابها گردد میان نماینده خواهان و سرداور سابق شعبه مطرح می شود. نتیجه آن گفتگوهای یک جانبه که در مسیر تسهیل کار خواهان و در تعارض با قواعد ادله اثبات دعوی و مآلاً "حقوق خواندگان بود به توهم نادرستی از حیث نحوه اثبات ادعا منجر گردیده است. این توهم نادرست آن است که خواهان به عوض تقدیم مدارک اثباتی دعوی، فقط به شهادت نامه‌هایی از کارمندان شرکت خود و یک گزارش حسابرسی حاکی از انطباق صورتحسابهای موضوع دعوی با دفاتر شرکت خواهان، تمسک جوید. نادرستی این توهم چنان روشن است که نیاز به توضیح چندان ندارد. زیرا از یک سوء شهادت نامه‌های کارمندان خواهان فاقد ارزش اثباتی است و از سوی دیگر، گزارش حسابرسی با فرض بی طرفی و استقلال او(۱) دلیلی بر صحت مدلول و موضوع صورتحسابهای مورد اختلاف نمی‌تواند باشد، زیرا صرف تطبیق صورتحسابهای موضوع دعوی با دفاتر خواهان، چیزی بیشتر از همان ادعای خواهان بدست نمی دهد. از این رو است که رای حاضر، شهادت نامه‌ها و گزارش حسابرسی مزبور را معتبر و متضمن ارزش اثباتی نمی شناسد.

نخست - ادعاهای علیه شرکت صنایع هواپیمائی ایران

۱ - یافته‌های رای در خصوص عدم ارزش اثباتی شهادت نامه‌های تقدیمی و

۱- حسابرسی استخدام شده توسط خواهان شرکت آرتور یانگ می باشد. شرکت مزبور، خواهان پرونده شماره ۴۸۴ بطرفیت جمهوری اسلامی ایران و دیگران در شعبه اول این دیوان داوری است. دعوی مطروحه، در تاریخ ۶۶/۹/۱۰ (۱ دسامبر ۱۹۸۷) منجر بصدور رای شماره ۱-۴۸۴-۳۳۸ علیه شرکت آرتور یانگ گردید. در چنین شرایطی، بعید بتوان گزارش حسابرسی مزبور را بی طرفانه و مستقل نامید.

گزارش حسابرس در خصوص موجودیت و اعتبار مطالبات ادعائی خواهان در غیاب اسناد و مدارک مثبتة ادعاها از جمله سفارش خرید، مدارک تحویل کالا یا خدمت و مطالبه کتبی وجوه ادعائی مورد موافقت اینجانب است. دادگاه در مقام رسیدگی باید با ملاحظه مدارک مربوط به سفارش کالا قانع شود که کالا یا خدمات بدرخواست خوانده تامین شده و در نتیجه تعهدی برای خوانده ایجاد شده است. علاوه بر آن لازم بود خواهان با ارائه مدارک مثبتة از جمله اسناد حمل و تحویل کالا نشان دهد که کالا یا خدمت مورد درخواست خوانده حسب شرایط قرارداد و برگ سفارش خرید در زمان و مکان مورد توافق تحویل خوانده گردیده و متعاقباً طی صورتحساب منطبق با سفارش خرید مطالبه وجه بعمل آمده است. بدون ارائه مدارک پیش گفته از سوی خواهان دادگاه نمیتواند به اعتبار ادعاها رسیدگی کند و طبعاً خوانده نیز از امکان دفاع مقتضی محروم میگردد. رجوع کنید: مینه سوتا ماینینگ اند منیوفاکچرینگ کامپنی و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، رای شماره ۳-۴۲۳-۳۴۳ (۱۳۶۶/۱۱/۲ - ۲۲ ژانویه ۱۹۸۸)، بند ۱۰۰، و نیز نظر جداگانه قاضی پرویز انصاری در همان پرونده (۱۳۶۶/۱۱/۲۹ - ۱۸ فوریه ۱۹۸۸)، بند ۸.

ضمن موافقت با رای در خصوص عدم اعتبار و کفایت شهادت شهود بعنوان دلیل برای اثبات وجود و میزان هزینه های جنبی مورد ادعای خواهان تحت عنوان هزینه کارهای در دست انجام، انبار داری و فسخ قراردادهای فروشندگان و نیز رد ادعاهای خواهان تحت عناوین فوق بعلت فقدان دلیل در عین حال معتقدم ادعاهای فوق علاوه بر منع صلاحیتی که در بند ۴۳ رای نیز منعکس است، بر اساس بند ۸ موافقت نامه پاریس نیز محکوم به رد بود. عدم اجرای موافقت نامه پاریس کلاً به عدم اجرای آن بخش از تعهدات متقابل موضوع موافقت نامه مذکور بر میگردد که مربوط به خواهان است. بر اساس اظهارات و مدارک ابرازی مسلم است که خوانده کلیه تعهداتی را که بموجب موافقت نامه مذکور بعهده گرفته بود ایفاء کرده است. تعهدات مذکور عبارت بود از لغو تعدادی از ضمانت نامه های موجود، اجازه تهاثر مطالبات طرفین که در موافقت نامه پاریس معتبر شناخته شده بود و نیز تقلیل مبلغ یک ضمانت نامه باقیمانده بشماره

(۷۸-۷) ۱۵۵۶۲۶. آنچه که از موافقتنامه پاریس اجرا نشد کلاً" مربوط است به تعهدات خواهان دایر به تسلیم ضمانت نامه کلی، استرداد دعوی اقامه شده علیه خواننده و استرداد اموال خواننده. اگرچه در رای، خواهان از استرداد اموال خواننده بعلت آنکه خارج از قدرت او بوده است معذور شناخته شده است ولی خواهان توجیهی برای عدم استرداد دعوی و نیز دلیلی برای خودداری از صدور ضمانت نامه کلی اقامه نکرده است، در حالیکه مانعی برای اجرای این قسمت از تعهدات خواهان موجود نبوده است. ضمناً" مطالبه ضمانت نامه شماره (۷۸-۷) ۱۵۵۶۲۶ از جانب خواننده بدلیل آنکه این ضمانت نامه در تاریخی مطالبه شده است که خواهان از انجام تعهدات متقابل خود تحت موافقت نامه پاریس دائر به استرداد اموال خواننده و تسلیم ضمانت نامه کلی خودداری کرده بود نقض موافقت نامه پاریس محسوب نمیشود. بدین لحاظ خواننده با ایفاء تعهدات خود تحت موافقت نامه پاریس صاحب حق نسبت به عوض آن یعنی تعهدات متقابل خواهان گردیده است. متعذر شدن اجرای قسمتی از تعهدات خواهان یعنی تحویل اموال خواننده نباید به زیان سایر حقوق تحصیل شده خواننده و کان لم یکن شدن سایر تعهدات خواهان که مانعی در اجرای آنها نیست تفسیر گردد. در نتیجه معتقدم که کلیه اعراضها و اسقاط حقوق مندرج در بند ۸ موافقت نامه پاریس از جمله مصون بودن از ادعای هزینه‌های فسخ و هزینه‌های انبارداری شامل خواننده میگردد. بالاخص در مورد تعهد خواهان راجع به عدم مطالبه هزینه انبارداری این مطلب قابل تذکر است که در زمان امضاء موافقت نامه پاریس خواهان اطلاع کامل داشت که بسبب دستورات اجرائی رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا تحویل اموال خواننده میسر نیست و منطقاً" میتوانست انتظار داشته باشد که موانع موجود تا مدت مدیدی ادامه پیدا کند. از سوی دیگر باید افزود که تحمل هزینه‌های انبارداری و غیر آن، بفرض صحت، مستقیماً" ناشی از اقدامات دولت ایالات متحده آمریکا است و طرف زیان دیده باید برای جبران زیان خود به دولت مزبور که عامل اصلی و مستقیم ورود ضرر است رجوع نماید.

۳ - در خصوص تعلق بهره به سپرده‌های خواننده نزد خواهان، تصمیم منعکس در رای دایر بر احتساب بهره نسبت به مطالبات و سپرده‌های خواننده از تاریخی موخر بر تاریخ شروع

احتساب بهره نسبت به مطالبات خواهان قابل اشکال است. استحقاق خواهان به استفاده از سپرده‌های خوانده بر حسب قراردادهای منعقدہ بمنظور رسیدن به اهداف معامله موضوع قراردادهای مذکور است. طبعاً این استحقاق خواهان تا جایی مداومت و اعتبار دارد که قراردادها فعال بوده و بین طرفین اجرا میگرددیده است. در نتیجه از زمانی که قراردادها معلق گردید تصرف و استفاده خواهان نسبت به سپرده‌های خوانده محمل قانونی نداشته و خواهان مکلف به استرداد آن به خوانده بوده است. قراردادهای موضوع ادعا بحکایت ادله موجود و اظهارت طرفین بطور قطع از تاریخ دسامبر ۱۹۷۸ بلا اجرا مانده است. خواهان میپذیرد که از تاریخ دسامبر ۱۹۷۸ قراردادهای را بحالت تعلیق در آورده و هیچگونه کالائی برای خوانده ارسال نکرده و از استرداد اموال خوانده خودداری کرده است. بالنتیجه در صورت صدور حکم بهره تاریخ شروع احتساب بهره نسبت به سپرده‌های خوانده در نزد خواهان تاریخ بلا اجرا ماندن قراردادهای در دسامبر ۱۹۷۸ خواهد بود. تاریخ دیگری که بعنوان دیرترین زمان شروع احتساب بهره نسبت به سپرده‌های خوانده ممکن است در نظر گرفت، تاریخ صدور دستور اجرائی رئیس جمهور آمریکا در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ میباشد. توضیح آنکه ماده ۱۰ قرارداد "امتیاز توزیع صادرات" شرایطی را که تحت آن، قرارداد قبل از انقضاء مدت، قابل فسخ است ذکر مینماید. از جمله شرایط ذکر شده غیر قابل اجرا شدن تعهدات یکی از طرفین بعلت مقررات موضوعه یکی از دولتین متبوعه طرفین قرارداد است. ماده (۲) ۱۰ قرارداد در قسمت مربوط بشرح زیر است:

" ... یا در نتیجه مقررات وضع شده توسط دولت ایالات متحده آمریکا یا دولت ایران اجرای تعهدات موضوع این قرارداد برای طرف دیگر غیرممکن شود."

ضمناً خواهان خود صدور دستورات اجرائی رئیس جمهور آمریکا را فورس ماژور و مجوز رفع مسئولیت از خود در خصوص استرداد اموال خوانده اعلام کرده است. لذا تحت چنین شرایطی دیرترین تاریخ شروع احتساب بهره نسبت به مبالغ اضافی سپرده خواندگان نزد خواهان باید نوامبر ۱۹۷۹ تعیین میگردد.

۴ - مطلب حائز اهمیت دیگر آنست که طبق بند ۸ موافقت نامه پاریس خواهان موافقت نمود که ادعائی بابت بهره به خواننده تسلیم نکند. همانگونه که در بالا گفته شد اگر چه قرارداد پاریس در آن قسمت که مربوط به تعهدات خواهان به نفع خواننده بود اجرا نگردید، لیکن مسلم است خواننده کلیه تعهداتی را که بموجب موافقت نامه پاریس بنفع خواهان بعهده گرفته بود انجام داده است. استدلال مندرج در رای که با نادیده گرفتن این مطلب و نیز نقض قسمتهائی از موافقت نامه پاریس توسط خواهان، متعذر شدن استرداد اموال خواننده را به عملی نشدن موافقت نامه پاریس در تمامیت آن و غیرموثر بودن موافقت نامه و بی اثر شدن مطلق تعهدات طرفین تعبیر نموده است، منجر به این نتیجه غیرمنطقی گردیده است که خواننده در حالیکه به کلیه تعهدات خود تحت موافقت نامه پاریس عمل کرده است، فقط بعلت آنکه از قسمتی از عوض این تعهدات یعنی تحویل گرفتن اموال خود تا زمان نامعلومی محروم گردیده، در عین حال از سایر امتیازات و حقوق منظور شده بنفع وی در موافقت نامه پاریس و از جمله عدم مطالبه بهره از سوی خواهان نیز محروم گردد و در مقابل، خواهان از نقض موافقت نامه و عدم انجام تعهدات خود منتفع شود و مبلغی بیش از آنچه که در صورت انجام تعهداتش بدست میآورد، دریافت نماید.

دوم - ادعاهای علیه شرکت پشتیبانی و نوسازی هلی کوپترهای ایران

۵ - در خصوص میزان و ارزش اموال تحویل شده به خواننده، رای دربند ۹۴ اظهار امری را بخواننده نسبت میدهد که در واقع خواننده در صدد تکذیب آنست. رای در این قسمت به دو سطر خاص از یک بند از لایحه دفاعیه خواننده (مدرک شماره ۱۴) اشاره دارد بدون آنکه به سطور بعد همان بند و نتیجه گیری خواننده در انتهای بند توجه کافی شده باشد. عبارت نقل شده از لایحه دفاعیه خواننده چنین است:

"براساس گزارش کامپیوتری مورخ ۱۰/۱۰/۱۹۷۸ آوکو [خواهان] از بابت سه فقره قرارداد جمعا" بمیزان ۲،۲۴۱،۱۵۳۴۳ دلار اجناس تحت قرار داد به پنها [خواننده] ارسال گردیده"

غرض خواننده از ذکر این مطلب همانگونه که چند سطر پایین تر در همان بند روشن میسازد آنست که اعلام کند برخلاف مدلول گزارش کامپیوتری مورخ ۱۰/۱۰/۱۹۷۸ تهیه شده توسط خواهان، عملاً فقط معادل ۱،۸۲۵،۹۲۵ دلار جنس بوی تحویل گردیده است. لذا خواننده با اشاره به گزارش کامپیوتری مورخ ۱۰/۱۰/۱۹۷۸ بعنوان مقدمه، قصد نفی و تکذیب تحویل جمع اجناس موضوع گزارش مذکور به میزان ۲،۲۴۱،۱۵۳ دلار را دارد و قصد خود را هم در چند سطر بعد از همان لایحه دفاعیه عملی کرده است. در این اوضاع و احوال تعبیر عبارت نقل شده از خواننده به تایید دریافت کالا بمیزان ۲،۲۴۱،۱۵۳ دلار بر خلاف واقع و اشتباه است. خواننده در احتساب مبلغ ادعای متقابل و نیز در کلیه لوایح بعدی با ارائه جزئیات اقلام دریافتی از هریک از سه قرار داد مورد بحث میزان اقلام دریافتی از خواهان را همواره ۱،۸۲۵،۹۲۵ دلار یا بایک اصلاح جزئی ۱،۸۲۶،۹۲۷ دلار ذکر کرده و هیچگاه مدلول گزارش کامپیوتری خواهان را دایر بر دریافت ۲،۲۴۱،۱۵۳ دلار جنس تایید نکرده است.

۶ - در مورد تاریخ احتساب بهره نسبت به باقیمانده مطالبات خواننده از خواهان همانگونه که در ارتباط با ادعاهای علیه شرکت صنایع هواپیمائی ایران در فوق متذکر گردیدیم، بهره باید از تاریخ بلااجرا^۶ ماندن قرارداد یعنی دسامبر ۱۹۷۸ منظور میگردد.

سوم - دعاوی متقابل شرکت پشتیبانی و نوسازی هلیکوپترهای ایران

۷ - در خصوص ادعاهای متقابل ناشی از دستور خریدهای شماره A7 BHMC 3475 و A7 BHMC 3300 ، با توجه به اینکه شماره دستور خریدهای مذکور در لیست ادعاهای متفرقه مورد مطالبه خواهان (ضمیمه ۴ مدرک ۱۰۰) آمده است تردیدی نیست که ادعاهای متقابل، ناشی از قراردادهای مورد استناد خواهان است. ادعای مربوط به توربین های مسترد نشده موضوع دستور خرید شماره LD202R51672000 مورخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۷۵ و اصلاحیه آن مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۵ نیز در واقع جزئی از روابط

تجاری مستمر طرفین است و با توجه به تعریف بند ۱ ماده ۲ بیانیه حل و فصل ادعاها دادگاه صلاحیت رسیدگی به آنرا داشت. در خصوص ماهیت امر نیز لازم بذکر است که خواهان در مقابل ادعاهای متقابل مذکور دفاعی بعمل نیاورده است، حال آنکه خوانده با ارائه دستور خریدهای مربوط که توسط خواهان نیز بعنوان تأیید امضاء شده است وقوع معامله را ثابت نموده است. خواهان در مقام دفاع مکلف بود تحویل اموال را بخوانده ثابت کند. بدیهی است در این مقام از خوانده نباید توقع داشت وقوع امر عدمی یعنی عدم تحویل اموال را اثبات نماید. بدین لحاظ شایسته بود دادگاه ادعاهای متقابل مذکور را میپذیرفت یا در خصوص ادعای متقابل مربوط به توربین‌ها حداقل همانگونه که در خصوص اموال خوانده دیگر (صنایع هواپیمائی ایران) عمل گردید طرفین دعوی را بمذاکره دعوت می نمود و در صورت عدم حصول توافق، بخوانده فرصت داده میشد درخواست تعیین تکلیف اموال خود را از دادگاه بعمل آورد.

چهارم - ادعای علیه شرکت ملی نفت ایران

۸ - ادعای خواهان علیه خوانده بمبلغ ۸۱،۶۹۵ دلار مبتنی بر معامله ناشی از تلکسهای متبادله بین طرفین است. خوانده مبلغ ۴۲،۷۲۸ دلار از کل ادعا را بعنوان بدهی خود قبول دارد ولی بقیه مبلغ ادعا را مردود اعلام کرده است. در رای علاوه بر مبلغ ۴۲،۷۲۸ دلار مذکور، تأیید بدهی بمبلغ ۳۷،۲۱۸ دلار دیگر نیز بخوانده نسبت داده شده است که این امر متباین با اظهار خوانده است. خوانده ضمن آنکه اظهار داشته مبلغ ۳۷،۲۱۸ دلار به خواهان پرداخت کرده است در عین حال در لایحه دفاعیه (مدرک شماره ۶) توضیح می دهد که این پرداخت ارتباطی با قرارداد مورد ادعای خواهان ندارد:

"توضیح آنکه خوانده قبلاً" قراردادی با خواهان داشته است که در تلگرام شماره ۵۶۴ مورخ ۱۹۷۷/۵/۱۸ (پیوست شماره ۲) مذکور است. بموجب تلگرام مزبور مبلغ کل کار در آن قرارداد ۳۳۰۰۰ دلار بوده است که البته آن کار قبلاً" تکمیل گردیده و خواهان کلیه مطالبات خود را بموجب برگ پرداخت ۲۰۴۳ (پیوست شماره ۳) دریافت داشته است"

برگ پرداخت شماره ۲۰۴۳ مورد اشاره خوانده بمبلغ ۳۷،۲۱۸ دلار مورخ ۱۳۵۶/۱۲/۱۴ ضمیمه لایحه دفاعیه خوانده است. خوانده این موضع را در تذکاریه خود (مدرک شماره ۱۶۳) نیز حفظ کرده است و در ارتباط با خدمات انجام شده بموجب تلکس شماره ۵۶۴ مورخ ۱۹۷۷/۵/۱۸ میگوید:

" خدمات تحت توافق اول پایان یافت و مبلغ ۳۷،۲۱۸ دلار خالص بعنوان تصفیه کامل آن خدمات بلان نتیجه به آوکو پرداخت گردید ولی دستگاه راه نیافتاد. آوکو مدعی بود که برای راه اندازی و فعال کردن دستگاه بهتر است ۲ نفر متخصص دیگر نیز در ایران کار کنند ... خصوصیات و شرایط توافق جدید (که از این پس توافق دوم نامیده می شود) در تلکس RO-77-86 مورخ ۲ اوت ۱۹۷۸ تعیین شده که تفاوت عمده اساسی با توافق اول به شرح زیر داشت ... "

مضافاً خوانده هیچگاه پرداخت مبلغ ۳۷،۲۱۸ دلار را بعنوان پرداخت قسمتی از مبلغ مورد ادعای خواهان مطرح ننموده و درخواست تهاتر آنرا با مبلغ مورد ادعا نکرده است، بلکه همواره مبلغ مورد بحث را بعنوان جزئی از ادعای متقابل خود بر علیه خواهان مطرح نموده است. نکته قابل ذکر دیگر در این ارتباط آنست که سند ارائه شده توسط خوانده مربوط به پرداخت ۳۷،۲۱۸ دلار بتاریخ ۱۳۵۶/۱۲/۱۴ (۵ مارس ۱۹۷۸) صادر شده است و حال آنکه صورتحساب ارائه شده از طرف خواهان دایر بر مطالبه مبلغ ۸۱،۶۹۵ دلار تاریخ ۹ مه ۱۹۷۸ را دارد. لذا یافته‌های رای منتج به این نتیجه غیر منطقی نیز میگردد که خوانده دو ماه قبل از وصول صورتحساب خواهان اقدام بپرداخت صورتحساب مذکور نموده و یا حداقل دستور پرداخت آنرا بمبلغ ۳۷،۲۱۸ دلار داده است.

پنجم - ادعای متقابل شرکت ملی نفت ایران

۹ - در خصوص دعوی متقابل خوانده شرکت ملی نفت ایران معتقدم قرارداد مبنا^۶ ادعای خواهان و قرارداد خرید و تحویل ۸ دستگاه توربین جزء^۶ یک سلسله روابط تجاری بین طرفین است که از قرارداد خرید ۸ دستگاه توربین آغاز گردیده و منجر به معاملات دیگری که هدف همه آنها امکان پذیر نمودن استفاده و تحویل رضایت بخش ۸ دستگاه

توربین مورد بحث است، شده است. قرارداد میناء ادعای خواهان نیز یک حلقه از این سلسله روابط تجاری است که با وجود فاصله زمانی، هردو قرارداد معامله واحدی را تشکیل میدهد. بند ۱ از ماده ۲ بیانیه حل و فصل ادعاها و سوابق قضائی دیوان، مورد حاضر را مصداق تعریف "معامله" مختلف المنشاء و نتیجتاً مشمول صلاحیت دیوان داوری می‌شناسد. (۲) لازم به ذکر است که اگر چه قرارداد مربوط به خرید ۸ دستگاه توربین در سال ۱۹۷۱ منعقد گردیده لیکن دستگاه ها در سال ۱۹۷۳ برای خواننده حمل شده ولی هیچگاه بنحوی که مورد توافق طرفین بوده تحویل نگردیده است. خواهان طبق بند ۳ موافقت نامه مورخ ۱۹ مارس ۱۹۷۳ تعهد نمود که دستگاه را در وضعیتی تحویل خواننده دهد که بنحو قابل قبولی قابل استفاده باشد. بند ۳ موافقت نامه مذکور اشعار میدارد:

"۳- در خصوص مورد چهارم تلکس ما [خواهان] به شماره اف - ۶۰۲۴ مورخ ۲۰ ژانویه ۱۹۷۳ مورد موافقت است که آزمایش تمام سرعت مکانیکی در ایران توسط شرکت ملی نفت ایران و با حضور نماینده آوکو لایکومینگ انجام گیرد و چنانچه در جریان این آزمایشها هر قسمت از مجموعه بنحو رضایت بخش بر اساس مشخصات مورد نظر شرکت ملی نفت ایران کار نکند، آوکو لایکو مینگ قطعات را تعمیر یا تعویض مینماید بنحوی که مجموعه بر اساس مشخصات مورد نظر کار کند بدون آنکه هیچگونه تعهدی برای شرکت ملی نفت ایران ایجاد گردد"

دهها گزارش، نامه و تلکس متبادله بین طرفین که از سوی خواننده تسلیم گردیده و ضمیمه شهادتنامه آقای ابراهیمیان نیز هست مدلل میدارد که توربینها هیچگاه با مشخصات مورد نظر تحویل خواننده نشده و بکار نیافتاده است. این سلسله مکاتبات و گزارشها که از بدو حمل دستگاهها به ایران آغاز میگردد و تا سال ۱۹۷۸ ادامه دارد نشان دهنده اشکالات متعدد و نیز رفت و آمدها و ماموریت های مکرر نمایندگان و

(۲) اوئنز - کورننگ فایبر کلاس کوریوریشن و دولت ایران و دیگران، رای شماره آی. تی. ال ۱۱۳-۱۸-۱۳۶۲/۲/۲۳ - ۱۳ مه ۱۹۸۳)، امریکن بل اینترنشنال اینکوریوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، رای شماره آی. تی. ال ۴۸-۴۱-۱۳۶۳/۴/۱۸ - ۹ ژوئیه ۱۹۸۴)، وستینگهاوس الکتریک کوریوریشن و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، رای شماره آی. تی. ال ۶۷-۳۸۹-۱۳۶۵/۱۱/۲۳ - ۱۲ فوریه ۱۹۸۷).

متخصصان فنی خواهان برای برآه انداختن توربین ها است. بالاخره در سال ۱۹۷۸ طی نامه های مورخ ۱۱ و ۲۰ ژوئن، خواهان به خواننده پیشنهاد میکند که یکدستگاه از توربین ها را برای انجام اصلاحات به هزینه خود به ایالات متحده حمل کند تا پس از اصلاح، نمونه ای برای رفع اشکالات سایر دستگاهها شود.

خواهان در قسمتی از نامه ۱۱ ژوئن ۱۹۷۸ خود اشعار میدارد:

"قویا" باور داریم که دستگاههای پمپاژ را میتوان بازسازی نمود و اشکالات آنرا اصلاح کرد بطوری که در آتیه بنحو قابل اعتمادی مورد استفاده قرار گیرد. برای تایید این باور خود، آوکو لایکومینگ پیشنهاد میکند که یک دستگاه کامل برای بازسازی در کارخانه به ایالات متحده بازگشت داده شود. بعد از آزمایش موفقیت آمیز، دستگاه به ایران برگردانده شده و پس از نصب، کار کرد رضایت بخش آن نمایش داده خواهد شد"

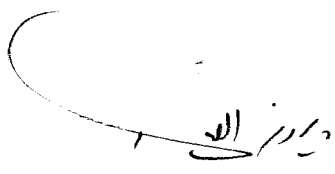
در قسمت دیگر این نامه آمده است :

" این یکدستگاه بعنوان نمونه ای خواهد بود که دقیقاً نشان بدهد چه اقداماتی لازم است برای اینکه واحدهای دیگر به شرایط کارکرد رضایت بخش برگردند. امیدواریم موقع نمایش عمل کرد دستگاه باین پیشنهاد تمایل پیدا کنید."

این یک نمونه از تعداد زیادی مکاتبات و مدارک تسلیمی خواننده می باشد و نشان دهنده این واقعیت است که حتی در ماه ژوئن ۱۹۷۸ یعنی در تاریخی موخر بر قرارداد مستند دعوی خواهان، هنوز مساله تحویل رضایت بخش دستگاهها حل نشده بود. نکته مهم آنست که ادعای خواهان بر علیه خواننده مربوط به هزینه خدمات متخصصین اعزامی خواهان به ایران در سال ۱۹۷۷ برای راه اندازی یکدستگاه از همین ۸ دستگاه توربین فروخته شده به خواننده است و جزئی از سلسله اقداماتی که برای بکار انداختن و تحویل دستگاههای مذکور بر اساس توافق طرفین انجام شده است می باشد و لذا بقدر کافی با قرارداد فروش ۸ دستگاه توربین در ارتباط است که مبنای دعوی متقابل خواننده قرار گیرد.

نتیجتاً "معتقدم دیوان، صلاحیت رسیدگی به دعوی تقابل شرکت ملی نفت ایران را دارد.

لاهمه، به تاریخ ۲۷ مهر ماه ۱۳۶۷ برابر با ۱۹ اکتبر ۱۹۸۸

A handwritten signature in Persian script, which appears to be "پرویز انصاری" (Parviz Anvari), written in black ink. The signature is written over a horizontal line.

پرویز انصاری معین